



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم‌گویان | ۱۰ تیر ۱۳۸۵ - ۱ ژوئیه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست عروج احمدی نژاد پله آخر افول جمهوری اسلامی

با عروج احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور رژیم اسلامی، هم صفتندی درون رژیم و فرهنگ و رقیق کردن هم موقعیت جمهوری اسلامی در برابر مردم، دستخوش تحولات مهمی شده است. در این صفتندی، احمدی نژاد نماینده اسلام غلیظ خمینی و طرفدار سفت و سخت اقتصاد دولتی و انقباض سیاسی و فرهنگی، بر رقیبش رفسنجانی که مدافع اقتصاد بازار، تن دادن به عقب نشینی ایدئولوژیک و فرهنگی و رقیق کردن اسلامیت رژیم است غلبه کرد. اما درحالیکه رفسنجانی و جناحهای طرفدارش در عزای شکست تلخشان نشستند، جناح غالب از ترس مردم جرات جشن گرفتن ندارد. خامنه ای رسماً شادی خیابانی بسیجیان طرفدار احمدی نژاد را ممنوع کرده است! واقعیت اینست که برد یک جناح رژیم بر جناح دیگر آن، باخت هر دو جناح به مردم بود! در این ماجرا کلیت جمهوری اسلامی به مردم باخت. این را همگان می دانند.

ما و مردم آزادیخواه اعلام کردیم که در جمهوری اسلامی انتخابات معنی ندارد. اگر فضای به شدت پلیسی و



fateh_sh@yahoo.com

گفتگو با فاتح شیخ

آکسیون و اعتراضات کوبنده شما در روزهای ۲۷ خرداد و سوم تیر در مقابل محلهای رای گیری در محل سفارت رژیم اسلامی و در مسجد علی و به دلیل سوت و کور گذاشتن محلهای رای گیری توسط شما مردم آزادیخواه عملی شد. سفیر جمهوری اسلامی و همکارانش ماهها برای اجرای این نمایش بازار گرمی کردند و ترفندهای مبتکار مبارزاتی شما سرشان به سنگ خورد. برای ما به عنوان حزب کمونیست جای کارگری-حکمتیست جای خوشحالی است که در کنار شما و همراه شما سهم بزرگی از ابتکار سازماندهی این اعتراضات و مبارزات را به عهده داشته و به وظیفه

روند سرنگونی جمهوری اسلامی و صفتندیهای جدید

کمیونیست: شکست یا پیروزی؟ جمهوری اسلامی یک "انتخابات" دیگر را هم پشت سر گذاشت. جمهوری اسلامی هم "پیروز" شد و هم شکست خورد. چه تجدید آرایشی در جمهوری اسلامی روی داد؟

فاتح شیخ: قبل از بحث شکست و پیروزی باید گفت امروز همه میدانند که انتخاباتی در کار نبود. برای گردانندگان این نمایش، مسئله بقاء رژیم و نحوه تحمیل آن به مردم بود. برای ما و مردم هم مسئله این بود که چگونه در این فرصت، چرخ دنده مبارزه علیه رژیم را هر چقدر ممکن است جلو ببریم و پیشروی غیرقابل برگشتی به رژیم تحمیل کنیم. اینکه مساله انتخابات نبود را ما حکمتیست ها از اول گفتیم، بعد از ماجرا همه دارند میگویند. تاکید ما این بود و هست که بودن یا نبودن رژیم مساله محوری جامعه است. محمل هرچه باشد: مساله اتمی، زندانی سیاسی، جایگزینی خاتمی تاریخ مصرف تمام شده با فرد دیگری و غیره

به مناسبت اعتراضات کوبنده علیه "انتخابات" جمهوری اسلامی در سوئد

اسلامی در سوئد درست همانند بسیاری از محلهای رای گیری در شهرهای ایران و در خارج کشور به نمایشی بی رونق و پوچ تبدیل شد. اینکار به هم



r_hoseinzadeh@yahoo.com

رحمان حسین زاده

ایرانیان آزادیخواه مقیم سوئد
تشکیلات سوئد حزب حکمتیست
مضحکه انتخاباتی جمهوری



منصور حکمت

اقتصاد "یا توسعه سیاسی" کدام مال خر است؟!!

دور اخیر مرافعه جناح راست و دوم خردادی ها بر سر "اقتصاد" یا "توسعه سیاسی" بینهایت فکاهی و بچه گانه و عاریه است. راست ها ساعت یازدهم درست قبل از بسته شدن کرکره مجلس اسلامی پنجم دوان دوان لایحه ای گذراندند که روزنامه های "خودی" های "نفوذی" دوم خردادی را بنام قانون بنندند و تاسیس روزنامه های بعدی را دشوار کنند. از پیش روشن بود که متقابلاً اولین اقدام دوم خردادی ها پس از شروع مجلس اسلامی ششم این خواهد بود که چیزی تصویب نکنند تا بتوانند آدمهایشان را از حبس بیرون بیاورند و روزنامه هایشان را دایر کنند. در مقابل، جناح راست با حماقت کم نظیری پشت "اقتصاد" سنگر گرفته است. میگوید چرا دوم خردادی ها در مجلس جناحی عمل میکنند و سیاست بازی میکنند و به اولویتهای مبرم اقتصادی

نمیپردازند. بیست سال قبل "به گفته خمینی" اقتصاد "زیربنای الاغ" بود. خواستههای رفاهی و اقتصادی مردم انقلاب کرده را با این نوع اراجیف کوبیدند. فقری بیسابقه و غیر قابل توصیف به دهها میلیون انسان تحمیل کردند. حقوق کارگر را ماهها نمیپردازند و آنجا هم که میپردازند قدرت خرید قوت لایموت برای یک خانواده سه نفره را ندارد. تورم و گرانی بیداد میکند. بالا کشیدن حق مردم و رشوه خواری و فساد و اختلاس بنیاد سیستم اداری اینهاست. بیکاری و اعتیاد جامعه را در خود غرق کرده است. و حال این ابله ها فکر میکنند با برگ انجیر "اقتصاد" میتوانند در انتظار مردم ستر عورت کنند.

اما دومی هم دست کمی از اولی ندارد. میگوید بله، اما "توسعه سیاسی" شرط توسعه اقتصادی است. چه عالی، و این توسعه سیاسی نجات بخش چیست: احیای صفحه ۳

میتینگهای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مناسبت ۸ تیر!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

واضح است که هرچه آگاهگری سوسیالیستی و جنبش مطالباتی در جامعه گسترده تر باشد، کار دخالت سیاسی، رهبرانه و سازمانده پیشروان کارگری آسانتر خواهد شد.

کمونیست: چه پیشرویهایی در جبهه مردم و در جنبش سرنگونی رخ داد؟ معنای پیروزی مردم چیست؟

فاتح شیخ: اتفاقی که افتاد این بود که مردم در حرکت خود علیه اسلام سیاسی و فرهنگ بغایت عقبمانده و ارتجاعی متناظر با آن، پیشروی چشمگیری بدست آوردند. به این اعتبار جنبش سرنگونی مردم میتواند پایه اجتماعی وسیعتری در کل جامعه و بویژه در پائین جامعه پیدا کند. اسلام غلیظ مستضعفگرا، فشرده شدن ارتجاع اسلامی، در برابر این پتانسیل گسترش جنبش سرنگونی، شکل گرفته است. فکر میکنند از این راه میتوانند در صفوف طبقه کارگر و توده فقیرزده شکاف ایجاد کنند و بخشهای حاشیه ای، پاسیف و ناآگاه آن را علیه جنبش سرنگونی بدنال خود بکشند. به این خطر باید آگاه بود، باید هشیارانه علیه آن ایستاد و کار کرد. نباید

اجازه داد این عوامفریبی رنگباخته اسلامی از صفوف طبقه ما قربانی بگیرد. اما گرهایهای رویارویی مردم و رژیم بسیار فراتر از این مساله است. معضل جنبش سرنگونی کماکان معضل رهبری است که مانع متحقق شدن همه پتانسیل نیرومند اجتماعی آن و مخصوصاً مانعی بر سر راه استفاده بجا و درست این جنبش از فرصت ها و محمل هایی است که هر روز میتواند پیش بیاورد. "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی"، که توسط حزب حکمتیست منتشر شده است بخصوص در این دوره اهمیت ویژه پیدا میکند. معنی پیروزی مردم که به روشنی در "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" بیان شده است اینست که جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را با تمام ارگانهای سرکوبگر و

امثال داریوش همایون به پروژه اقتصادی رفسنجانی بکار برد و استدلال کرد که تا رژیم اسلامی بر ایران حاکم است اقتصاد جامعه بطور ارگانیک در چرخه گردش جهانی سرمایه انتگره نمیشود. راه حل بحران اقتصادی جامعه در شکل سرمایه دارانه آن هم، در گرو حل بحران سیاسی جامعه یعنی رفتن جمهوری اسلامی است. تا این رژیم هست روی همین پله سیاسی است.

بحران آخر بعنوان یک کانسپت تحلیلی اقتصاد سیاسی همچنان در ارتباط با جمهوری اسلامی و اقتصاد جامعه اعتبار دارد. صفتبندی جدید در جمهوری اسلامی مساله را حادث کرده است، با خزیدن مجدد جناح راست حاکم رژیم به سنگر تدافعی اسلامگرایی و مستضعف پناهی، بحران اقتصادی رژیم باز هم حادث میگردد و جامعه بیشتر از پیش با ضرورت راه حل سیاسی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی مواجه میشود.

کمونیست: چگونه می توان فریب پلتفرم مستضعف پناهی احمدی نژاد و خطرات آن را طبقه کارگر و مردم زحمتکش خنثی کرد؟

فاتح شیخ: یک راه بدون شک آگاهگری در صفوف طبقه کارگر و توده فقیرزده جامعه است اما این در شرایط فعلی جامعه ایران به نظر من بیچوجه به تنهایی جوابگو نیست. گرایش اسلامی مستضعف پناه باید با تشدید تهاجم همه جانبه به اسلام سیاسی و با سازمان دادن و متحد کردن جنبش سرنگونی مردم جواب بگیرد و بدون شک کمونیستها و رهبران و پیشروان کارگری باید در صف مقدم مبارزه و تلاش بیوقفه، هم برای تامین رهبری سیاسی جنبش سرنگونی و هم برای تامین سازمان و اتحاد در صفوف طبقه کارگر، توده های محروم، زنان، جوانان و همه مردم آزادیخواه باشند. جواب گرایش پوپولیسم اسلامی مستضعف پناه نه صرفاً آگاهگرانه و نه صرفاً مطالباتی است. اساساً سیاسی است.

صفتبندیهای متعاقب آن را در چهارچوب "بحران آخر" جمهوری اسلامی چگونه تبیین می کنید؟

فاتح شیخ: درست است. زمانی خمینی میگفت "اقتصاد مال خسر است!" امروز احمدی نژاد خمینی چی در تبعیت از "رهبر"ش خامنه ای، سیاست را مال خسر میدانند و از اولویت اقتصاد دم میزنند! اینکه سیاست یا اقتصاد کدامیک مال خسر است یک محور دائم جناحیندی درون رژیم اسلامی بوده و هست و هیچوقت هم راه به جایی نبرده است. ظاهراً در نهایت این طرف سوم یعنی مردم است که باید دم همه "آقایان" را بگیرد دورشان بیندازد و این معضل آخوندی - اسکولاستیک را در پراتیک حل کند.

اما گذشته از تعبیر آخوندی، روشن است که هم اقتصاد جمهوری اسلامی و هم سیاست آن و هم ایدئولوژی آن در نتیجه خوردن به تخت سینه واقعیات جامعه دچار بحران شدید است. بحران جمهوری اسلامی یک بحران مرکب و همه جانبه اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک - فرهنگی است که محور آن سیاست است. اساس بحران جمهوری اسلامی سیاسی است چون مساله محوری آن بود و نبود خود رژیم است. اینطور نیست که اقتصاد بود و نبود جمهوری اسلامی را تعیین تکلیف کند، برعکس، این بود و نبود رژیم اسلامی است که اقتصاد را تعیین تکلیف میکند. دقیقتر بگوییم، با نبود رژیم اسلامی اقتصاد تعیین تکلیف میشود، بود رژیم در شکل و شمایل کنونی به معنی ادامه بلاتکلیفی اقتصاد است. این روزها خیلیها از چپ و راست اصطلاح بحران آخر را، البته با مضامین و منظورهایی مختلف بکار میبرند. داریوش همایون بطور مثال، عنوان "بحران نهای" را برای معضل کنونی جمهوری اسلامی انتخاب کرده است. تعبیر "بحران آخر" را اول بار منصور حکمت در دوره رفسنجانی و در گرماگرم توهامات "لیبرال" مآبانه

قالیباف را خالی کرد و ارتجاع اسلامی غلیظی را حول احمدی نژاد فشرده کرد. راز برد احمدی نژاد بر رفسنجانی، در باخت ایدئولوژیک رژیم به مردم، در پیشروی حرکت غیراسلامی و ضد اسلامی مردم علیه رژیم بود. اتفاقی که افتاد اینست که ارتجاع اسلامی در یک حالت آشکارا تدافعی در برابر پیشروی مردم، خود را فشرده کرده و پشت عوامفریب ترین بازیگر صحنه انتخابات رفت. به این ترتیب احمدی نژاد برنده شد در حالیکه تا قبل از رسیدن به دور دوم نه خودش انتظار داشت نه "ناظران سیاسی" این را پیش بینی میکردند.

به نظر من اگر فاکتور پیشروی مردم و باخت ایدئولوژیک رژیم برجسته توافق میکردند که یک بار دیگر پروژه رفسنجانی را برای خریدن عمر بیشتر برای رژیمشان امتحان کنند. این هم ممکن بود. اما ترس از پیشروی مردم، خامنه ای و راست ترین عناصر حاکم بر جمهوری اسلامی را ناگزیر کرد به سنگر تدافعی چسبیدن به اسلامشان برگردند. احمدی نژاد نه شخصیت است و نه پلتفرم دارد تا بتواند اسلام سیاسی را پشت سر خودش متحد کند. شاگرد وردست خامنه ای و مصباح یزدی است و باید چشم به دهان آنها بدوزد که بگویند چه بکنند و چه نکنند. با توجه به فقر و فلاکت خارج از تحلیلی که خود رژیم اسلامی به مردم تحمیل کرده و با هدف بهره برداری از آن، او میخواهد مثل خمینی و رجائی، به ایدئولوژی اسلامی مستضعف پناهی بچسبند اما از امکانات واقعی جنبش اسلام سیاسی دوره خمینی و رجائی برخوردار نیست و نخواهد توانست گرهی از مشکلات این رژیم بحران زده باز کند.

کمونیست: اقتصاد یا سیاست؟ نه اقتصاد و نه سیاست هیچیک قادر به نجات جمهوری اسلامی از مخمصه ای که در آن گرفتار است نیستند. این دوره و

و غیره، آن روند اصلی که پشت پدیده ها و رویدادهای جریان دارد، روند سرنگونی جمهوری اسلامی است. یک عده دارند آن را متحقق میکنند، یک عده دارند جلوش را میگیرند. شکست یا پیروزی جمهوری اسلامی در انتخابات را، بر متن این روند اصلی جامعه باید دید و سنجید و فهمید.

از این منظر برای رژیمیان، از خامنه ای تا بخشی از "اپوزیسیون"، انتخابات به دلیل اینکه مقطع آن مقطع پایان کار خاتمی و ریختن پشم پروژه تعدیل رژیم بود، روی این پاشنه میچرخید که با کدام پروژه دیگری میتوان برای رژیم عمر خرید. حول این سوال، دو طیف جواب مختلف شکل گرفت که بخصوص در دور دوم حول دو پلتفرم یا دو گرایش پشت رفسنجانی و احمدی نژاد قطبی شد. نتیجه ماجرا غلبه گرایش احمدی نژاد بر گرایش رفسنجانی بود. تاکیدم بر پلتفرم و گرایش عمده است، چون اگر شخص رفسنجانی در رژیم کسی است، شخص احمدی نژاد کسی نبود و نیست. برد و باخت یا شکست و پیروزی در این ماجرا، برد گرایش رجعت به اسلامگرایی افراطی نوع خمینی و رجایی به قیمت باخت هرگونه گرایش تعدیل رژیم بود. منطق این برد و باخت هم البته در خود دو گرایش نبود، در رابطه مردم با رژیم در همین پروسه بود.

مردم و بخصوص نسل جوان از شکاف موجود در برخورد بازیگران انتخابات استفاده کردند و در دو هفته اخیر یک جو آشکارا غیراسلامی و بعضاً ضداسلامی به فضای جامعه و انتخابات حاکم کردند. این از خاصیت معین و کروی و رفسنجانی در مقایسه با قالیباف و احمدی نژاد و لاریجانی در نیامد، از مقابله مردم و رژیم در عرصه ایدئولوژی و فرهنگ و از پیشروی مردم در فرصت انتخابات علیه کل رژیم و علیه همه جانی های بازیگر در میآمد. در برابر این پیشروی مردم، جبهه خامنه ای به طرز ناگهانی پشت

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

از صفحه ۱

نظامی نبود. تمامی این مضحکه با موج اعتراض کوبنده مردم برچیده میشد. علیرغم فشارهای پلیسی و نظامی، مردم هر جا توانستند بساط این نمایش رژیم و کاندیداها را بهم زدند و یا با سوت و کور گذاشتن محلها ی رای گیری نه بزرگی

تحویل جمهوری اسلامی دادند. مردم اعلام کردند انتخابات بی انتخابات و انتخاب بعد از جمهوری اسلامی.

برای جناحهای جمهوری اسلامی هم مساله صرفا بر سر انتخاب رئیس جمهور نبود. بر سر نجات رژیم بود. این را واقعیت به روشنی نشان داد. در این انتخابات دو گرایش شریک در حاکمیت اسلامی به صف شدند و پروژه خود برای نجات رژیم را عرضه کردند. حاصل صفتندی باخت ایدئولوژیک رژیم زیر فشار امواج ضداسلامی و غیراسلامی جامعه و نسل جوان، و علاوه بر آن، باز شدن شکاف عمیق جدیدی در بالای رژیم بود. جمهوری اسلامی از این کشمکش ناتوانتر، چندشقه تر، متزلزل تر و منزوی تر بیرون آمد! عقب نشینی

ایدئولوژیک و فرهنگی رفسنجانی و کروی بی در جریان انتخابات به مراتب بیشتر از آنی بود که خاتمی طی دوره زمامداریش به آن تن داده بود. مردم آشکارا جلو رفتند و در موقعیت مساعدتری در برابر رژیم و جناحهای آن و رئیس جمهور جدید آن قرار گرفتند. اسلام غلیظ احمدی نژاد و همپالگهایش یک ارتجاع فشرده شده و در واقع یک سد دفاعی در برابر این پیشروی مردم است. هر دو گرایش در برابر پیشروی مردم آزادیخواه به موضع دفاعی نجات رژیمشان چسبیده اند. غلبه خط اسلام غلیظ بر خط تعدیل رژیم در این انتخابات، به معنی منزوی تر شدن و عربانتر قرار گرفتن ارتجاع اسلامی در برابر مردم است. نه خط غالب و نه خط مغلوب، راهی برای غلبه بر بحران همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیمشان ندارند. خارج شدن جامعه از بن بست و بحرانی که جمهوری اسلامی به آن تحمیل کرده، تنها با خلاص شدنش از شر این رژیم ممکن است. این رژیم سراپا ارتجاع با جامعه امروزی ناسازگار است و باید برود. جمهوری اسلامی اکنون در آخرین خاکریز دفاعی اش، بیش از

همیشه منفور و رسوا و منزوی است و قادر به عقب راندن نیروی مردم و نسل جوان نیست. عروج احمدی نژاد پله آخر افول جمهوری اسلامی است. در چنین موقعیتی و بر متن فقر و فلاکت وسیعی که حاکمیت اسلام بر اکثریت عظیم مردم، بر تولیدکنندگان ثروت جامعه و صاحبان اصلی جامعه تحمیل کرده، احمدی نژاد ملغمه ای از پوپولیسم اسلامی و مستضعف پناهی فوق ارتجعی را با هدف شقه کردن صف کارگران و کشاندن توده فقزرده به دنبال خود پیش گذاشته است. این پروژه همچون پروژه "مدل چینی" رفسنجانی و پروژه "مدل روسی" خاتمی مهر شکست خورده است و برای خروج رژیم از بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی اش راه به جایی نمیرد. در برابر این سیاست فاشیستی باید با قاطعیت و هشیاری ایستاد و آن را در قدم اول به شکست کشانید. در عین حال در برابر بخشهایی از بقایای دو خرداد که فاشیسم اسلامی را فقط به احمدی نژاد و جناحش محدود میکنند و این را بهانه کردند، تا از رفسنجانی حمایت کنند.

باید بر این واقعیت تاکید کرد که منشا فاشیسم کل جمهوری اسلامی است. فاشیسم جمهوری اسلامی و همه ارگانهای فاشیستی اش را باید با قیام مردم نابود کرد. از زاویه مردم، مساله محوری جامعه، چه قبل از نمایش انتخابات و چه بعد از آن، سرنگونی جمهوری اسلامی بوده و هست. مساله ای که باید به دست خود مردم آزادیخواه متحقق شود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با برافراشتن پرچم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، قاطعانه در صف مقدم مبارزه مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و کل دستگاه سرکوب و تحمیل آن ایستاده است. ما همه انسانهای آزادیخواه و شریف جامعه از کارگران، زنان و جوانان را به ادامه و تشدید مبارزه تا برچیدن کامل بساط ارتجاع و سرکوب جمهوری اسلامی فرا میخوانیم. "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" که توسط حزب حکمتیست به جامعه ارائه شده، معنی پیروزی مردم و پرچم آنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. با سرنگونی جمهوری اسلامی

باید ارتش و سپاه و بسیج و همه نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات و حوزه های علمیه و اوقاف را منحل کرد. باید دستگیر و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. باید آخرین خشتهای این ساختمان ضدمردمی را برچید! علاوه بر اینها، دولت قیام کنندگان باید آزادی بی قید و شرط سیاسی را تأمین کند و به مردم امکان انتخاب آزادانه و آگاهانه بدهد.

ما یک بار دیگر تاکید میکنیم که انتخاب مردم بعد از جمهوری اسلامی است. بعد از قیام است. ما مردم را فرا میخوانیم که "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" را به عنوان پرچم مبارزه سازش ناپذیر خود برای سرنگونی رژیم و تحقق آزادی و برابری به دست بگیرند.

نابود باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۴ تیرماه ۱۳۸۴ - ۲۵ ژوئن ۲۰۰۵

تمام ارگانهای سرکوبگر و ایدئولوژیک آن باید در هم پیچید و منحل و نابود کرد. یک پلاتفرم انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی که در هیچ شرایطی با ماندن هیچ بخشی از پیکره ارتجاع کثیف اسلامی سازش نداشته باشد میتواند به حل معضل رهبری جنبش سرنگونی کمک کند. تحولات پس از انتخابات حقایق این منشور و صحت سیاستهای حزب حکمتیست را بیشتر اثبات میکند. بیش از هر زمان ضروری است که مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب برای پیروزی جنبش خود هرچه بیشتر به دور حزب حکمتیست و سیاستهای روشن آن جمع شوند تا با هم بتوانیم کل بساط جانینان اسلامی حاکم و اسلام سیاسی را در ایران و در منطقه جمع کنیم.

موقعیت کل حکومت در قبال مردم را منعکس نمیکند. این مرافعه اخیر بر سر اقتصاد یا سیاست برای کسانی که شبها طرح ترور یکدیگر را میریزند و هنوز گلوله های دیگری را در گردن و دست پای خود دارند، برای کسانی که نفرت مردم را میبینند و میشناسند، برای کسانی که علاج ناپذیری موقعیت اقتصادی و سستی بنیاد حاکمیت خود پی برده اند بیش از حد لوکس و تفننی و کودگانه است. این فاز بسرعت سپری میشود. با این کلمات و عبارات نمیتوان زیاد راجع به مرگ و زندگی اسلام سیاسی و حکومت اسلامی در ایران حرف زد. همه بزودی وارد اصل مطلب خواهند شد.

مباحثه جاری جناح ها ابتدا حدت اوضاع سیاسی و رابطه واقعی میان دوجناح و

انترناسیونال هفتگی شماره ۳ تیر ۱۳۷۹ - ۲۳ ژوئن ۲۰۰۰

www.marxhekmat
society.com

www.koorosh-
modaresi.com

hekmat.public-
archive.net

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

میتینگهای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

به مناسبت ۱۸ تیر!

شنبه ۹ ژوئیه ۲۰۰۵ ۱۸ تیر ۱۳۸۴

۱۸ تیر ۷۸ سرآغاز جنبش عظیم مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی بود. در ۱۸ تیر صدها هزار نفر از دانشجویان، جوانان و مردم آزادیخواه به خیابان آمدند و با تظاهرات های خیابانی پایه های حاکمیت سیاسی رژیم اسلامی را بلرزه در آوردند.

در ۱۸ تیر ۷۸، عروزی که رژیم اسلامی را بلرزه در آورد، در تاریخ جنبش سرنگونی و اتحاد مبارزاتی مردم ایران ثبت شده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در ۱۸ تیر امسال (۹ ژوئیه) ایرانیان ساکن کشورهای اروپایی - کانادا و آمریکا را فرا میخواند در میتینگ و تظاهراتی کشورهای انگلستان، آلمان، کانادا، سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند، هلند و بلژیک فعالانه شرکت کنند.

انگلستان، لندن: شنبه ۹ ژوئیه (۱۸ تیر ۱۳۸۴) ساعت ۱۱

تظاهرات مقابل سفارت جمهوری اسلامی

Address: Prince's Gate, Kensington, London SW7

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

کانادا، تورنتو: شنبه ۹ ژوئیه (۱۸ تیر ۱۳۸۴) ساعت ۱۷

پیکت در میدان: Mal Lastman
5100 Yonge St. Toronto

تلفن تماس: (647)294-6095

فنلاند، هلسینگی: شنبه ۹ ژوئیه (۱۸ تیر ۱۳۸۴)

تظاهرات بطرف سفارت جمهوری اسلامی

محل تجمع شروع تظاهرات (M) KULOSAARI

میتینگ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی KULOSAARENTIE 9

تلفن تماس: (۳۵۸) ۵۶۴ ۷۳ ۳۵ ۰۵۰

بکژیک، بروکسل: جمعه ۸ ژوئیه ساعت ۲ بعد از ظهر تا ساعت ۴

میتینگ مقابل پارلمان اروپا

شماره تماس: ۰۰۳۲۴۸۴۷۴۷۳۱۱

آلمان، فرانکفورت: تظاهرات مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی

شنبه ۹ ژوئیه ساعت ۱۱

تلفنهای تماس: ۰۱۷۴۹۱۳۸۶۵۴۰، ۰۱۷۴۸۴۸۶۰۵۰

سوئد، استکهلم: مرکز شهر ; Sergels torg, ساعت ۱۱ الی ۱۳

گوتنبرگ: مرکز شهر; Drottnjngs trog, ساعت ۱۱ الی ۱۸

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۷۹۵۹

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی برابر

زنده باد سوسیالیسم!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور ۰۰۴۹۱۷۳۸۱۷۲۵۱۸۵

Nodinian-Nassan@web.de

محکمی بود که به چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمیدهد.

از جانب رهبری حزب حکمتیست به ایرانیان

معترض و آزادیخواه، به جریانات و نهادهای سیاسی و اجتماعی و همه انسانهای

شرکت کننده در آکسیونهای اعتراضی علیه انتخابات جمهوری اسلامی

در سوئد، به تشکیلات سوئد حزب حکمتیست درود

میفرستم. بویژه از همه جریانات و انسانهای

آزادیخواهی که از دستگیر شدگان آکسیون اعتراضی سوئد و تحسن برای آزادی

آنها حمایت کردند، قدردانی میکنم. انتظار دارم برای

آزادی تنها بازداشتی باقیمانده قاسم افشار عزیز این حمایتها و همبستگی

مبارزاتی را ادامه دهیم.

رحمان حسین زاده

رئیس هیئت دبیران حزب حکمتیست

پنجم تیر ۱۳۸۴ - ۲۶ جون ۲۰۰۵

تشکیلات سوئد و کل تشکیلات خارج کشور حزب

حکمتیست پرچمدار اعتراض

بقیه از صفحه ۱

انقلابی خود عمل کردیم.

تشکیلات سوئد حزب حکمتیست

حضور رزمنده شما پیشاپیش

اعتراضات کوبنده در سوئد علیه جمهوری اسلامی،

ابتکارات شما در سازماندهی اعتراضی رادیکال، انعکاسی

از روشن بینی سیاسی، تشخیص درست نیاز

مبارزاتی ایندوره، و ابراز وجود تشکیلاتی میلیتانت

است که عزم جزم کرده درست همانند تجربه

کنفرانس برلین عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ کند.

شخصا بسیار خوشحالم که در همه لحظات این حرکت

اعتراضی در کنار شما و شریک ابتکارات اعتراضی

شما بودم. در این رویداد موانع را کنار زدیم و نشان

دادیم حتی فشار و زور پلیس سوئد در حمایت از

سفارت جمهوری اسلامی و دستگیری وسیع نمیتواند

مانع اعتراض کوبنده نیروی آزادخواه و متسفر از

جمهوری اسلامی باشد. ۲۷ جون ۲۰۰۵

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست پرچمدار اعتراض

رفیق فارس محمود

دبیر کمیته خارج کشور!

با درود

حضور فعال و موثر کادرها و اعضای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست

کارگری عراق در میتینگهای اعتراضی ایرانیان آزادیخواه و معترض و آکسیونهای حزب حکمتیست علیه

مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی شورانگیز بود.

سخنرانیهای پرشور خود شما و رفقا ظاهر حسن و

ناسک احمد از اعضای رهبری حزب در حمایت از

مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی دلگرم

کننده بود. این رویداد انعکاس

عراق هستیم.

همسرنوشتی و همگامی مبارزات آزادیخواهانه در

ایران و عراق علیه نظم موجود و علیه اسلام سیاسی

و حاکمیت ارتجاع در این دو کشور و در منطقه است. ما و

مردم آزادیخواه ایران این همسرنوشتی مبارزاتی را ارج

میگذاریم و تقویت و تحکیم آن را بسیار ضروری و عاجل

میدانیم. ما در کنار مبارزات آزادیخواهانه مردم عراق و

حزب کمونیست کارگری عراق هستیم.

رحمان حسین زاده

۲۷ جون ۲۰۰۵

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور ۰۰۴۹۱۷۳۸۱۷۲۵۱۸۵

Nodinian-Nassan@web.de

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!